

اشتباهات قضایی (بخش حقوقی)

گردآوری:

مهری موسوی مقدم

چاپ و صحافی: واصف صفحه آرایی: یوسف نجفی فرد تیراژ: ۱۰۰۰
ابک: 7-18-600-978 چاپ اول ۱۳۹۶ قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

انتشارات حقوق امروز

قم، خیابان ۱۹ دی، پ ۷۰۵

ک. ب. بلوار ملا صدرا، نبش میدان نبوت، جنب بانک ملت، ساختمان هیراد، واحد ۲۰۱

تلفن: ۲ - ۰۲۶۳۲۵۵۸۹۵۱ - ۰۲۶۳۲۵۵۸۹۶۰ نمابر:

«کتاب به حقوق برای ناشر محفوظ است»

سرشناسه: موسوی مقدم، مهری ۱۳۹۶ -

عنوان قراردادی: ایران، قوانین و احکام Iran. Laws, etc.

عنوان و نام پدیدآور: اشتباهات قضایی (بخش حقوقی) مجموعه آراء خلاف بین شرع موضوع ماده

۱۸/... گردآوری مهری موسوی مقدم.

مشخصات نشر: قم: حقوق امروز، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۳۷۶ ص. وضعیت فهرست نویسی: نه

موضوع: اشتباه قضایی - ایران Judicial error - Iran

موضوع: اشتباهها (حقوق) - ایران Mistake (Law) - Iran

موضوع: قاضیان - ایران - خطای شغلی Judges - Iran -- Malpractice

موضوع: آرای حقوقی - ایران Judgments -- Iran

رده بندی کنگره: KMH ۱۳۹۶۱۷۹۸ ۵الف۸م/

رده بندی دیویی: ۳۴۵

شماره کتابشناسی ملی: ۴۸۸۲۶۸۶

هر گونه نقل مطلب تحت هر عنوان صرفاً در چهارچوب ماده ۷ قانون حمایت از حقوق مولفین و مصنفین به مقاصد ادبی، علمی، فنی و آموزشی و تربیتی به صورت انتقاد و تقریظ با ذکر مأخذ در حدود متعارف مجاز است.

بخش اول: الزام به تنظیم سند رسمی

- الزام به تنظیم سند رسمی ۱۱
- الزام به تنظیم سند رسمی ۱۵
- الزام به تنظیم سند ۲۱
- الزام به تنظیم سند رسمی ۲۵

بخش دوم: اثبات مالکیت

- اثبات مالکیت ۳۱
- اثبات مالکیت ۳۴
- اثبات مالکیت ۳۹
- اثبات مالکیت ۴۴
- اثبات مالکیت ۵۳
- اثبات مالکیت ۶۰
- اثبات مالکیت و ادعای پلاک بستی ۶۳

بخش سوم: فسخ

- فسخ قرارداد ۷۷
- تنفیذ فسخ معامله ۸۱
- تنفیذ فسخ قرارداد ۸۴
- فسخ معامله ۸۶

بخش چهارم: عقد اجاره

- تعدیل اجاره بهاء ۸۹
- تجویز انتقال منافع ۹۵
- مطالبه حق کسب و پیشه ۹۹
- تجویز انتقال منافع ۱۰۳
- مطالبه اجور معوقه ۱۰۶

بخش پنجم: خلع ید

- خلع ید ۱۱۲
- خلع ید ۱۱۶

۱۲۰		خلع ید
۱۲۵		خلع ید
۱۳۲		خلع ید
۱۳۶		خلع ید
۱۴۲		خلع ید و قلع و قمع بنا

بخش ششم: مطالبه

۱۴۶		مطالبه خسارت
۱۴۹		مطالبه
۱۵۵		مطالبه وجه خلع
۱۵۸		مطالبه وجه
۱۶۳		مطالبه وجه
۱۶۶		مطالبه وجه
۱۷۲		مطالبه وجه
۱۷۷		مطالبه وجه
۱۸۳		مطالبه خسارت
۱۸۶		مطالبه بهای عادله زمین
۱۸۹		مطالبه بهای عادله زمین
۱۹۲		مطالبه وجه
۱۹۹		مطالبه عوارض آموزش
۲۰۴		مطالبه قیمت عادله روز زمین
۲۱۰		مطالبه سهم الشرکه

بخش هفتم: حقوق خانواده

۲۱۹		تمکین
۲۲۱		تمکین
۲۲۵		حضانت
۲۲۸		مطالبه اجرت
۲۳۱		مطالبه مهریه

۲۳۶	مطالبه نفقه ایام زوجیت
۲۴۲	نفقه

بخش هشتم: ابطال سند

۲۴۵	ابطال وکالتنامه
۲۵۱	ابطال سند عادی
۲۵۷	ابطال سند
۲۶۲	ابطال سند وکالت
۲۶۷	ابطال عملیات مزایده
۲۷۵	ابطال اسناد

بخش نهم: متفرقه

۲۷۹	خسارت تأخیر نادیه
۲۸۳	اجرت المثل
۲۸۶	خسارت وارده ناشی از انحصار صدور پروانه برای ملک مجاور
۲۸۹	صدور مجوز مجدد بهره بردار از چاه آب
۲۹۴	رفع تصرف عدوانی
۳۱۱	اجرت المثل
۳۱۷	دستور فروش
۳۲۳	اعتراض به رای کمیسیون ماده ۱۲ قانون زمین شهری
۳۲۷	تنفیذ وصیت
۳۳۳	الزام به ایفای تعهد
۳۴۳	تخلیه
۳۴۹	اعتراض به رای هیات حل اختلاف قانون ثبت
۳۵۹	خیار غبن
۳۶۹	اعتراض به رای کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری

مقدمه

اشتباه، جزیی از هرنوع قضاوت بشری است، اما در فرآیند دادرسی برای این که تکلیف دعوای مطروحه و اصحاب آن مشخص شود، و از ادامه روند فرسایشی دادرسی جلوگیری شود، قانونگذاران مراحل رسیدگی را مشخص و محدود می کنند تا پس از طی مراحل مشخص، رای صادره قطعی گردد. اما در فرآیند قانون گذاری ایران وضع متفاوت است. زیرا:

الف) پس از انقلاب اسلامی و متأثر از نفوذ اندیشه های فقهی در قوانین شکلی و ماهوی، قانونگذار ابتدائی تجدیدنظر خواهی را از اصحاب دعوا سلب نمود و کلیه آرای دادگاهها را فاعلی داشت. تا این که در سال ۱۳۶۷ و به موجب قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاهها، حق تجدیدنظر نظر خواهی برای اصحاب دعوا به رسمیت شناخته شد. ماده ۸ قانون تعیین موارد تجدیدنظر آرای دادگاهها مصوب ۱۳۷۲/۵/۲۴ مقرر می دارد: «کلیه آراء در موارد زیر قابل تجدیدنظر است:

۱. جایی که قاضی صادر کننده رای متوجه اشتباه رای خود شود.
۲. جایی که قاضی دیگری پی به اشتباه رای صادره ببرد به نحوی که اگر به قاضی صادر کننده رای تذکر دهد متنبه گردد.
۳. جایی که ثابت شود قاضی صادر کننده رای صلاحیت رسیدگی و انشاء رای را نداشته است.

تبصره- در مورد بندهای ۱ و ۲ مرجع تجدید نظر رای را نقض و رسیدگی می نماید و در مورد بند ۳ مرجع تجدیدنظر بدو ا به اصل ادعای عدم صلاحیت رسیدگی و در صورت احراز، رسیدگی مجدد را انجام خواهد داد.

ماده ۹- علاوه بر موارد مذکور در ماده ۸ آرای زیر نیز قابل تجدیدنظر می باشد تا چنانچه مرجع تجدید نظر پس از رسیدگی پی به اشتباه بین حکم و یا عدم صلاحیت دادگاه صادره، رای را نقض و رسیدگی مجدد نماید...

ب) این سیاست ادامه یافت و شاید تحت تاثیر نتایج حاصله از شناسایی حق تجدیدنظر خواهی، قانونگذار ناچار شد همیشه یک راهکار نهایی برای جلوگیری یا رفع اثر از اشتباهات قضات در اختیار باشد. شاید مبنای فقهی این اندیشه این باشد که چون از نظر فقها، قاضی

الزاماً باید مجتهد باشد، و در عصر حاضر از سویی تعداد مجتهدین بسیار کم است و برای رسیدگی به تعداد زیاد پرونده‌های مشکله و دعاوی مطروحه کافی نیستند و از سویی شاید بیشتر مجتهدین، حاضر به قضاوت نباشند، لذا به‌ناچار از میان دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه، افراد واجد شرایط نسبی، به قضاوت می‌نشینند، در نتیجه این افراد به علت عدم برخورداری از شرط اجتهاد، ممکن است در رسیدگی و صدور رای دچار اشتباه شوند.

در سابقه قانونگذاری ایران شاید کمتر نهاد یا ماده قانونی به اندازه ماده قانونی مربوط به اختیار امکان تجدیدنظر در رای قطعی دادگاه‌ها یا به تعبیری اعاده دادرسی به علت خلاف شرع بود. رای، دست‌خوش بازنگری و اصلاح قرار گرفته است. این اراده ابتدا در ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب تبلور یافت. آنجا که قانون‌گذار اعلام نموده است: ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ آراء دادگاه‌های عمومی و انقلاب را از حکم اقرار در موارد زیر نقض می‌شود:

۱. قاضی صادرکننده رای، بوجه اشتباه رای صادر کرده باشد.
۲. قاضی دیگری پی به اشتباه رای صادره ببرد به نحوی که اگر به قاضی صادرکننده رای تذکر دهد متنبه گردد.

۳. ثابت شود قاضی صادرکننده رای، در رسیدگی و انشاء رای را نداشته است.
تبصره- در مورد بندهای ۱ و ۲ مرجع تجدیدنظر نظر رای را نقض و رسیدگی می‌نماید و در مورد بند ۳ مرجع تجدیدنظر بدو به اصل رای عدم صلاحیت رسیدگی و در صورت احراز رسیدگی مجدد را انجام خواهد داد.

ج) در تاریخ ۱۳۷۶/۱۱/۲۱ رای وحدت رویه شماره ۲۲، در دیوان عالی کشور صادر گردید که به موجب آن: «مقررات ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب سال ۷۳ تضمینی است در جهت تأمین صحت آراء محاکم و ساری بودن اعلام از اشتباه و استفاده از بند ۲ ماده ۱۸ قانون مزبور به قرینه جمله شرطیه مندرج در قسمت اخیر آن این است که اشتباه در رای صادره آن چنان واضح و بین باشد که چنانچه به قاضی صادر کننده رای تذکر داده شود موجب تنبه وی گردد لیکن حتمیت لزوم تذکر به قاضی صادر کننده رای و حصول تنبه او از آن استنباط نمی‌شود همین قدر که قاضی دیگری که شأناً و قانوناً در مقامی است که می‌تواند بر اجرای صحیح قوانین نظارت نماید پی به اشتباه رای صادره

ببرد و مطلب را کتباً و مستقلاً عنوان کند مرجع تجدیدنظر را رأساً به اعمال مقررات تبصره ذیل ماده ۱۸ مکلف می‌نماید و با این کیفیت رأی شماره ۱۲۰-۷۶،۲،۹ شعبه بیستم دادگاه تجدیدنظر استان تهران که با این نظر مطابقت دارد به اکثریت آراء صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص می‌گردد. این رأی طبق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۳۷ برای دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

د) در رأی شماره ۶۸۹ در سال ۱۳۸۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور مقرر داشته است: «طبق قوانین مصوب، صلاحیت دادگاهها در امور کیفری از حیث رسیدگی تابع نوع مجازات و میزان آن است، بنابراین رسیدگی به تجدیدنظرخواهی شاکی در مورد اتهام متهم به ارتکاب جرم عمدی، توجیه به نوع مجازات آن در صلاحیت دیوان عالی کشور است و رسیدگی به اعتراضات عرض نسبت به آراء قطعی یا شعب تشخیص دیوان عالی کشور می‌باشد. علیهذا تا زمانی که رای عطفیه حاصل نکرده، شعب تشخیص صالح به رسیدگی نخواهند بود، حال چنانچه بدین استناد تجدیدنظر در مرجع غیر صالح رسیدگی ولی اعتراض فوق‌العاده نسبت به آن به شعبه تشخیص ارسال شده باشد، به این لحاظ که یک مرحله از رسیدگی در مرجع صالح انجام نگرفته و رأی مرجع فاقد صلاحیت قانونی نیز بلا اثر می‌باشد، اعاده پرونده جهت طرح در مرجع واجد صلاحیت صحیح و منطبق با قانون است. بنابه مراتب به نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی، رأی شعبه چهل و دوم دیوان عالی کشور صحیح و قانونی تشخیص به استناد ماده ۲۷۰ قانونی آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها لازم الاتباع می‌باشد.»

ه) ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب در سال ۱۳۷۸ به نحو زیر اصلاح شد: «ماده ۱۸ آراء غیر قطعی و قابل تجدیدنظر یا فرجام همان است که در قانون آیین دادرسی ذکر گردیده، تجدیدنظر یا فرجام خواهی طبق مقررات آیین دادرسی مربوط انجام خواهد شد. آراء قطعی دادگاههای عمومی و انقلاب، نظامی و دیوان عالی کشور جز از طریق اعاده دادرسی و اعتراض ثالث به نحوی که در قوانین مربوط مقرر گردیده قابل رسیدگی مجدد نیست مگر در مواردی که رأی به تشخیص رئیس قوه قضائیه خلاف بین شرع باشد. در این صورت این تشخیص به عنوان یکی از جهات اعاده دادرسی محسوب و پرونده حسب مورد به مرجع صالح برای رسیدگی ارجاع می‌شود.

تبصره ۱- مراد از خلاف بین شرع، مغایرت رأی صادره با مسلمات فقه است و در موارد اختلاف نظر بین فقها ملاک عمل نظر ولی فقیه و یا مشهور فقها خواهد بود.

تبصره ۲- چنانچه دادرستان کل کشور، رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح و رؤسای کل دادگستری استان‌ها مواردی را خلاف بین شرع تشخیص دهند مراتب را به رئیس قوه قضائیه اعلام خواهند نمود.

تبصره ۳- آراء خلاف بین شرع شعب تشخیص، در یکی از شعب دیوان عالی کشور رسیدگی می‌شود.

تبصره ۴- پرونده‌هایی که قبل از لازم‌الاجراء شدن این قانون به شعب تشخیص وارد شده است مطابق مقررات زمان ورود رسیدگی می‌شود. پس از رسیدگی به پرونده‌های موجود، شعب تشخیص منحل می‌شود.

تبصره ۵- آرائی که قبل از لازم‌الاجراء شدن این قانون قطعییت یافته است حداکثر ظرف سه ماه و آرائی که پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون قطعییت خواهد یافت حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ قطعییت قابل رسیدگی مجدد مطابق مواد این قانون می‌باشد.

و) در سال ۱۳۸۷ و به موجب ماده ۱ قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه: «ریاست قوه قضائیه سمت قضائی است و هرگاه رئیس قوه قضائیه ضمن بازرسی، رأی دادگاهی را خلاف بین شرع تشخیص دهد آن را جهت رسیدگی به مرجع صالح ارجاع خواهد داد.

ز) به علت مشکلاتی که در تفسیر و اجرای این ماده در رویه قضایی ایجاد شده بود برای رفع ابهام در سال ۱۳۸۷ استفساریه ای از مجلس اخذ شد:

ماده واحده- آیا تشخیص مغایرت بین آراء مورد اعتراض با شعب توسط رئیس قوه قضائیه به معنای قبول و تجویز اعاده دادرسی محسوب و کلیه اسباب رجوع الیه دادگاه‌های عمومی، تجدید نظر و دیوان عالی کشور و نظامی مکلف به رسیدگی ماهوی به موضوع و انشاء رأی می‌باشند یا خیر؟

نظر مجلس: «تشخیص رئیس قوه قضائیه به معنای تجویز اعاده دادرسی است و پرونده در مورد آرائی که در سابق از شعب تشخیص صادر گردیده به شعب دیوان عالی کشور و سایر موارد به مرجع صالح جهت رسیدگی ماهوی و صدور رأی مقتضی ارجاع می‌گردد.»

ک) در سال ۱۳۹۲ و به موجب ماده ۴۷۷ قانون آئین دادرسی کیفری نسخه جدیدی از ماده ۱۸ سابق رونمایی شد، به موجب این ماده: «در صورتی که رئیس قوه قضائیه رای قطعی

صادره از هریک از مراجع قضایی را خلاف شرع بین تشخیص دهد با تجویز اعاده دادرسی پرونده را به دیوان عالی کشور ارسال تا در شعبی خاص که توسط رئیس قوه قضائیه برای این امر تخصیص می یابد، رسیدگی و رای قطعی صادر نماید. شعب خاص مذکور مبنیاً برخلاف شرع بین اعلام شده رای قطعی قبلی را نقض و رسیدگی مجدد اعم از شکلی و ماهوی به عمل می آورند و رای مقتضی صادر می نماید».

www.ketab.ir